

عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله چگونه ساخته شد



احداث میدان های دولتی در عهد صفویه از اهمیت خاصی برخوردار شد. میدان عبارت بود از

محوطه ای که بناهای عمده شهر در آن قرار می گرفت. این بناها عبارت بودند از: کاخ

سلطنتی یا دیوان خانه حکومتی، بازار، مسجد جامع و بزرگ شهر. از بهترین نمونه های

موجود در تاریخ ایران می توان به میدان نقش جهان اشاره کرد. عناصر تشکیل دهنده میدان

نقش جهان عبارتند از: کاخ عالی قاپو، مسجد شیخ لطف الله، بازار، مسجد امام.

در این میان مسجد شیخ لطف الله و کاخ عالی قاپو، رو به روی هم قرار گرفته اند. کوچک

بودن مسجد شیخ لطف الله که رو به روی کاخ عالی قاپو قرار گرفته، باعث شده که در مورد

ارتباط این دو بنا، افسانه هایی را به پا سازند. اگر به راهنمایان محلی این دو بنا رجوع کنیم

خواهند گفت که در زیر میدان نقش جهان تونلی ساخته اند که این تونل بین مسجد شیخ

لطف الله و عالی قاپو حفر شده است تا زنان شاه عباس از درون این تونل عبور کنند و به

مسجد شیخ لطف الله و عالی قاپو برسند. اما آیا واقعا زنان شاه عباس برای رفتن از کاخ به

مسجد از این تونل مخفی عبور می کرده اند؟

مسجد شیخ لطف الله، بر خلاف مساجد اصفهان حیاط ندارد و مناره ای هم برای آن نساخته

اند. رنگ کاشی های گنبد این مسجد هم بر خلاف دیگر مساجد ایران به رنگ نخودی است.

به راستی داستان بنای عالی قاپو و مسجد شیخ لطف الله چه بود؟

● نوروز ۱۰۰۶، اصفهان

سال ها بود که شاه عباس به اصفهان رفت و آمد داشت. او هر از گاهی به باغ بزرگ شهر

اصفهان رفت و آمد می کرد. این باغ در زمان شاه طهماسب صفوی ساخته شده بود. سال ها

قبل در این باغ، بنایی را مرمت کرده بودند. این بنا کاخ کوچکی بود که در عهد تیموریان بنا

شده بود. شاه عباس تصمیم گرفت که عید سال ۱۰۰۶ هجری قمری را در آن کاخ بگذراند. او

پس از آن که موقعیت مناسب آن باغ را دید، تصمیم گرفت بنای کاخ را توسعه دهد و

ساختمان هایی به صورت اندرونی و بیرونی به آن اضافه نماید. او دستور داد در این باغ بزرگ

و زیبا، آبدارخانه، اصطبل و ساختمان های دیگری هم بنا کنند. او همچنین درباریان را تشویق

کرد که در مجاورت این باغ خانه هایی برای خود بسازند. شاه عباس تصمیم گرفته بود

اصفهان را پایتخت حکومت خود قرار دهد.

خبر در بین معماران شهر پیچید که شاه عباس قصد آن دارد بنای کاخ تیموریان را توسعه دهد. شاه، معماران زبده شهر را به کاخ خود در محله «دردشت» دعوت کرد و از آنها خواست که طبقاتی روی طبقات کاخ تیموری بنا کنند. او به معماران گفت که در صدد طراحی برای باغ کاخ هم باشند. معماران در این میان به مشورت پرداختند. پس از چند روز مشاوره به نزد شاه بازگشتند، و پیشنهاد دادند که در محل باغ، میدانی بزرگ بنا کند. آنها به شاه گفتند که این میدان محل مناسبی برای تجمع مردم در روزهای مهم سال خواهد شد. آنها به شاه پیشنهاد دادند که ساختمان های مهم شهر را در اطراف همین میدان بنا کند. شاه، طرح معماران شهر را پسندید و دستور داد هر چه سریع تر بنای عمارت میدان نقش جهان را آغاز کنند.

میدان نقش جهان به طول ۴۴۰ قدم و عرض ۱۶۰ قدم در حال ساخت بود. بنای میدان به گونه ای ساخته می شد که عمارت عالی قاپو در مغرب آن قرار می گرفت.

معماران دیگری نیز روی کاخ دوره تیموری بنایی سه طبقه بر پا کردند. قسمت پایین عالی قاپو را اختصاص به دیوان خانه قرار دادند. آنها این قسمت از کاخ عالی قاپو را «دولت خانه مبارکه» نامیدند. دولت خانه جایی بود که کارهای اداری حکومت در آن انجام می گرفت. در طبقات بالایی کاخ هم، اتاق های اختصاصی شاه عباس قرار داشت.

سر در عالی قاپو از مرمر عالی ساخته شد. برای ورود به عالی قاپو، اختلاف سطحی به ارتفاع ۶ انگشت ساخته شد. این آستانه نیز از مرمر سبز رنگ ساخته شد. رنگ سبز نشانه معصومین

علیه السلام بود. مردم هنگام ورود به بنا، هرگز اجازه نداشتند پا روی آن قرار دهند. هر کس که پای خود را روی این سنگ قرار می داد، به شدت مجازات می شد. مردم می بایست این سنگ را می بوسیدند.

در چوبی عالی قاپو را نیز به صورت مرتفع ساختند. این در را از یکی از روضه های نجف اشرف آورده بودند. این در به گونه ای مقدس شده بود که حتی پادشاه نیز از آن به صورت سواره وارد نمی شد.

پس از این سر در، دو تالار بزرگ ساخته شد. این دو تالار، به عنوان دیوان خانه شاه مورد استفاده قرار می گرفت. در یکی از این تالارها کارمندانی کار می کردند و مامور بودند تا نامه هایی را که برای شاه فرستاده شده بود، تنظیم کنند و جواب آن را تهیه نمایند.

تالار دیگر محل استقرار وزیر شاه بود. در کنار این تالار دو اتاق بزرگ برای استقرار نگهبان شاه ساخته شد. نام این دو اتاق را «کشیک خانه» می گفتند. چندی نگذشت که مردم شهر برای فرار از تنبیه و یا جور ظالمان به این دو اتاق پناه می بردند و از شاه طلب کمک می کردند.

تالار دیگری در درون عالی قاپو ساخته شد. این تالار مخصوص دیدار شاه با سفیران کشورهای خارجی بود و در انتهای باغ کاخ سلطنتی قرار داشت. در اطراف ورودی قصر، پلکان های مارپیچ کوچکی ساخته شد. این پله ها طبقات پایین را به طبقات بالاتر ارتباط می

داد. در هر طبقه نیز یک تالار مرکزی ساخته شد. در اطراف، اتاق های کوچک دیگری نیز اضافه گردید.

● سال ۱۰۱۱ هجری قمری

چندی از بنای عظیم میدان نقش جهان نگذشته بود که به شاه عباس خبر رسید شیخ لطف الله، از علمای بزرگ شیعه، به قزوین پناه برده است. شیخ لطف الله از علمایی بود که در جبل العامل لبنان ساکن بودند. هنگامی که به او خبر رسیده بود در ایران پادشاهان صفوی، مذهب رسمی کشور را تشیع اعلام کرده اند و فقه های شیعه را مورد احترام قرار می دهند، او نیز مانند جمع کثیر دیگری از علمای بحرین و جبل العامل، و در اوایل عمر خود از لبنان به ایران مسافرت کرد و در مشهد مقدس مقیم شد. شاه عباس چون از ورود او به ایران آگاه گردید، شیخ لطف الله را به خدمت آستانه حضرت امام رضا (ع) مفتخر گرداند.

شاه عباس تصمیم گرفته بود که علمای شیعه را در پایتخت جدید خود اسکان دهد. بنابراین دستور داد که شیخ لطف الله به اصفهان عزیمت کند. او معماران شهر را برای احداث محل تدریس شیخ به عمارت نیمه تمام کاخ عالی قاپو فرا خواند و به آنها گفت: «ای معماران بزرگ اصفهانی، نیک می دانید که شیخ لطف الله از علمای بزرگ عالم تشیع، میهمان کشور ماست. او چندی پیش، برای آن که از گزند ازبکان در امان باشد، به قزوین، پایتخت ما پناه برده. نیک می دانید که قزوین تا سالی پیش از پایتخت های ما به شمار می رفت، اما اراده کرده ایم که این

شهر، اصفهان را، پایتخت خود قرار دهیم. به همین دلیل، این عالم بزرگ نیز در پایتخت ما اقامت خواهد کرد و به تدریس مشغول می گردد.

حال از شما معماران اصفهانی، درخواستی دارم و آن این که برای این مرد بزرگ بنایی در خور، جهت تدریس و برای عمارت شیخ ما طراحی نو در اندازید.»

فردای آن روز، هر یک از معماران با نقشه ای به دربار شاه رفتند. در این میان، پیر مردی به نام استاد حسین، نقشه ای متفاوت داشت. او مسجدی کوچک و بدون حیاط را طراحی کرده بود. او حتی برای مسجد شیخ هم مناره ای طراحی نکرده بود. این نقشه باعث تمایز طرح او با

دیگر طرح ها می شد. وقتی که شاه از طرح استاد حسین خوشش آمد، همه در میان معماران پیچید. شاه طرح عجیبی را پسندیده بود. یکی از معماران نزد شاه رفت و گفت: «ای پادشاه، امر شما مبارک است؛ اما آخر چگونه می توان مسجدی را بدون مناره ای طراحی کرد. ما که برای سر در مسجد خود مناره طراحی می کنیم، تنها به دلیل زیبایی مساجدمان نیست، مناره برای جلوگیری از رانش طاق های سر در مسجد است تا مسجد خراب نشود؛ حتی در

یزد برای جلوگیری از خراب شدن طاق ها، برای مناره ها دو پشت بند عظیم ساخته اند. حال چگونه این مسجد و آن سر در بلندش پایدار خواهد بود.»

شاه عباس گفت: «راست می گویی. من هم مسجد جامع یزد را دیده ام، الحق که پشت بندهای عظیمی دارد. حالا چه پاسخی داری، استاد حسین؟»

استاد حسین گفت: «آری، گفته های معمار درست است. مناره ها همان کار را می کنند؛ اما اگر به جای مناره در اطراف سر در مسجدمان دیوارهایی بسازیم، باز هم سردرها خراب خواهد شد؟»

همه معماران یک صدا پاسخ دادند: «خیر، استاد.»



استاد حسین سرفه کوتاهی کرد و گفت: «خوب، اگر سر در عمارت به ارتفاعی معقول باشد تا دیوارها از رانش طاق های آن جلوگیری کنند، مشکلی نخواهد بود، همان طور هم که می دانیم، دور تا دور میدان نقش جهان را دکان هایی ساخته اند. همین دکان ها و دیوارهای آن از خراب شدن سر در مسجد شیخ جلوگیری خواهد کرد.» سپس روی خود را به مرد کرد و گفت: «جز این خواهد بود ای مرد معمار؟»

مرد که از پاسخ استاد حسین شگفت زده شده بود گفت: «خیر، خیر!»

پادشاه که از این مناظره به وجد آمده بود، رو به حاضران کرد و گفت: «هان ای معماران شهر،

آیا کس دیگری ایرادی می یابد؟»

سکوت در میان معماران افتاده بود که ناگهان یکی دیگر رو به استاد حسین کرد و گفت:

«آری، آری ای پادشاه. همانطور که می دانید، مستحب است هنگام ورود به مسجد رو به قبله

وارد شوند. در حالی که استاد مسجد خود را رو به روی عمارت عالی قاپو بنا کرده؛ یعنی در

مشرق. پس ورودی آن غربی است. چگونه نمازگزار رو به قبله وارد مسجد می شود، در حالی

که قبله رو به جنوب است؟» استاد حسین گفت: «پرسش نیکویی کردی ای مرد. اول آن که

بهترین مکان برای مسجد و مدرسه شیخ، رو به روی کاخ عالی قاپوست؛ زیرا تقارن میدان و

نظم آن حفظ خواهد شد. از طرف دیگر، برای آن که نمازگزار رو به روی قبله وارد مسجد

شود، مسجد باید ۴۵ درجه چرخش داشته باشد. از طرف دیگر، جهت میدان به گونه ای است

که وارد شدن به این مسجد از سمت میدان، نیاز به چرخشی ۹۰ درجه ای دارد.

من هم برای حل این مشکل از راهرویی استفاده کرده ام که باعث چرخش ۹۰ درجه ای

نمازگزار شده و در عین حال احترام به قبله و نظم میدان بر هم نمی خورد. هیچ کس هم

متوجه این چرخش نخواهد شد. همان طوری که دیده اید، مدرسه شیخ هم در کنار مسجد او

ساخته خواهد شد.»



دیگر معماران وقتی استدلال استاد را شنیدند، با صلوات بلندی به تدبیر نیکوی او درود فرستادند. شاه نیز از تخت خود بلند شد و گفت: «پس استاد حسین، همان طوری که نقشه خود را طرح کرده ای آن را اجرا کن.»

● سال ۱۲۰۷ هجری

چند سالی بود که از شروع احداث عالی قاپو می گذشت و در این میان نقاشی دیوارهای بنای کاخ به استاد رضا عباسی سپرده شده بود.

استاد رضا عباسی از نقاشان زبردست دوره صفویه بود که کار طراحی برخی از چهره های درون عمارت را به سرانجام رسانده بود. در محوطه کاخ نیز باغ های مخصوص شاه عباس ساخته شده بود. در اطراف میدان نقش جهان هم درختان چنار زیبایی کاشته بودند. شاه عباس نیز برای تماشای مسابقات چوگان، هر از گاهی دستور اجرای آن را در محوطه وسیع میدان می داد. او گاهی نیز جام زرینی را در دکلی درون میدان قرار می داد و به هر کس که می توانست روی اسب این جام را با تیر بزند، جایزه ای اهدا می کرد.

روی بناهای اطراف میدان نقش جهان و اطاق های اطراف آن از بالا تا پایین چراغ ساخته بودند. این چراغ ها در زمان جشن ها و اعیاد روشن می شد. گاهی چراغ های اطراف میدان به ۵۰ هزار عدد می رسید.

در اطراف باغ هم دو پایه ستون مرمر قرار داده بودند. این ستون های زیبا را به دستور شاه عباس از تخت جمشید به این مکان آورده بودند. سمت در بازار که در شمال میدان قرار داشت دو ایوان سر پوشیده ساخته بودند. در این ایوان ها، در هنگام غروب و سحر با نقاره و طبل نواهایی می نواختند. به این مکان نقاره خانه می گفتند.

شاه عباس دستور داده بود در اطراف عمارت عالی قاپو ۱۱۰ توپ مستقر کنند، او این ۱۱۰ عدد توپ را به نام حضرت علی (علیه السلام) در اطراف قصر قرار داده بود.

استاد حسین، بنای مسجد مدرسه شیخ لطف الله را با زیبایی حیرت انگیزی ساخته بود. او

برای کتیبه های مسجد شیخ از خط استاد رضا تبریزی بهره جسته بود. استاد رضای تبریزی از خطاطان به نام تبریز بود. او وقتی به درگاه شاه عباس وارد شده بود نام خود را به رضا عباسی تغییر داده بود. او و استاد رضا عباسی، نقاش عمارت عالی قاپو، رفاقت بسیار نزدیکی داشتند.

کاشی کاری مسجد نیز بسیار حیرت انگیز بود. استاد حسین دستور داده بود که کاشی های

گنبد مسجد را از لعاب های نخودی بسازند. این موضوع باعث شده بود که گنبد مسجد شیخ از مساجد دیگر متمایز شود.

استاد حسین برای روشنایی داخل مسجد، در اطراف گنبد، روزنه هایی را ایجاد کرده بود. این روزنه ها در فواصل معینی ایجاد شده بودند، این پنجره ها را با گچبری های زیبایی ساخته بودند. گچبری ها از هندسه بسیار زیبایی برخوردار بودند.

سال بعد شاه عباس دستور داد که مسجد جامع شهر اصفهان در جنوب میدان ساخته شود.

در کنار کاخ عالی قاپو هم، ساختمانی ساخته شد. گنبد این بنا از آجر ساخته و به آن توحید

خانه گفته می شد. در این بنا، صوفیان اصفهان شب های جمعه جمع می شدند. تعداد صوفیان

شهر اصفهان در آن زمان حدود دویست نفر بود. آنها خود را فداییان شاه عباس می نامیدند و

به محافظت از او در شهر مشغول بودند. آنها کلاه بلندی بر سر می گذاشتند. خنجرها و کمان

های آنها در بین مردم شهر مشهور بود.

● سال ۱۰۴۱

چند سالی بود که شاه عباس دوم به سلطنت رسیده بود. او دستور داد که در طبقه سوم

عمارت عالی قاپو، ایوان زیبایی بنا کنند. او از معماران خواست که در وسط این ایوان، حوض

و فواره هم بسازند.

معماران برای ساختن این ایوان ۱۸ ستون از چوب چنار ساختند. آنها برای تزیین این ستون

های چوبی از آینه کاری های زیبایی استفاده کردند. برای آن که حوض وسط ایوان عایق

کاری گردد، از صفحات مس ضخیمی استفاده کردند تا آب به دیگر طبقات کاخ نفوذ نکند. در

وسط این حوض نیز فواره زیبایی ساختند. برای آن که آب بتواند به طبقه سوم فرستاده شود و

درون حوض جاری گردد، از چرخ ها و ماشین های مخصوصی استفاده کردند. به این ماشین

ها که آب را به طبقات بالاتر می فرستاد، «چرخاب» می گفتند.

شاه عباس دوم دستور داد که در طبقه بالاتر این عمارت تزییناتی را اضافه کنند. او به معماران گفت برای آن که صدای صوت موسیقی درباریان به دیگر مکان های قصر نفوذ نکند از ترفندی که صلاح می دانند، استفاده کنند. معماران برای این منظور، از گچ بری های متنوعی استفاده کردند. این گچ بری ها را در تمام دیوارهای طبقه به کار بردند. گچ بری ها را به شکل ظروف و اشیای مختلف در زوایای متفاوت تالار ساختند. وقتی عده ای از نوازندگان در این بنا شروع به نواختن آهنگ می کردند، صدای آن در هیچ کجای قصر شنیده نمی شد؛ زیرا حفره های ایجاد شده صدا را درون اتاق می شکست. شاه عباس دوم در این مکان از مهمانان مخصوص خود پذیرایی می کرد. او برای این که صدای مذاکرات محرمانه اش در دیگر مکان های قصر شنیده نشود از این اتاق استفاده می کرد. معماران این گچ بری ها را از گچ بری های «چینی خانه اردبیل» تقلید کرده بودند. در آن سوی عالی قاپو نیز، مسجد شیخ لطف الله، بعد از مرگ شیخ، به مسجد خصوصی زنان شاه تبدیل شده بود.

محمدباقر خسروی

پایگاه خبری هنر ایران